

از لابلای یادداشتها و نیشته های روزمره ام

جانشینی تعامل بجای تقابل و چگونگی "دموکراسی نوپا و متزلزل" جنگ قدرت میان الیگاریشی های اقتصادی و مذهبی خطر انکشاف منفی قضایا را نباید دست کم گرفت

فشارها و دسیسه های غرب برای درهم شکستن طرف مقابل شوخی نیست
اقدامات عمدی یا حرکت های اتفاقی بمنظور تغییر بافت جمعیتی شمال کشور؟
ضرورت مانع گردیدن شهروندان کشور بیک اقلیت نرم گردن و گذاره ایی
افغانستان بمنظور تقویة شبکه ها بکاروان بی در و پیکری شبیه است

تقابل و تعامل (واگرایی و همگرایی)، (منازعه و مصالحه)، (واقعگرایی و آرمانگرایی) و واژگان اینچینی در تاریخ بشری، اولویت بندی یکی بردیگری یا پیشبرد همزمان هر کدام از اینها بنحوی تمرین و آزموده شده است. در برخی از نیشته ها، سیاست چهره دو وجهی تعریف شده است که رویی بسمت تضاد و رویی بسوی همگونی. منازعه یا تقابل در شرایطی گریزناپذیر است که نمی توان با نگاهی طرد شده بآن نگرست. مصالحه یا تعامل مبتنی بر همگرایی در هر عرصه ای آمیخته می باشد. جمله معروف است که پایان دیپلوماسی آغاز جنگ و پایان جنگ آغاز دیپلوماسی است. دیپلوماسی هیچگاهی پایان نخواهد یافت و هیچگاهی هم جنگ بر دیپلوماسی غلبه نخواهد کرد. شاید در مقطع زمانی خاصی با جنگ بردیپلوماسی پیروز شد اما در نهایت امر، ناگزیر به پذیرش اصول دیپلوماسی خواهیم بود. در دنیای کنونی نمی توان به نظریه (وابستگی متقابل) بی توجه بود، چرا که منافع هر فرد در تعامل و استفاده از خرد جمعی در این عرصه می باشد. اگر در ادبیات بین الملل اصل اتحاد را معنا کنیم، بیک رابطه همنشینی خواهیم رسید و این همنشینی است که موجب ایجاد حرکت مثبت در تحركات اجتماعات مدنی خواهد شد. حد وسط تعامل با تقابل اعتدال است. ارسطو پنج سده پیش از میلاد از آن بعنوان (اودایمونیا) نام برده است یعنی بموقع فریاد زدن و بموقع نرمش نشان دادن و تساهل و تسامع را در دستور قرار دادن است. شاید تلاش برای آنکه با بررسی نظریه های تعامل و تقابل، این نتیجه برای همگان واضح و روشن گردد که نگاه تعاملی با افراد پیامدهی خود و نگاه تقابلی به محیط پیرامونی عواقب خود را دارد. به یقین که گفتگو تعامل در راستای نشان دادن حسن نیت و اجماع سازی و در اینمورد جای هیچگونه شکیرا باقی نمی گذارد که بمثابه ابزار قوی در جهان کنونی است که راه را به بهانه جویی ها خواهد بست.